

هر روز با

فوتبال اصفهان


به وقت

گروه "فوتبال به وقت اصفهان" با روزنامه فوتبال اصفهان و رسانه های هواداری سپاهان و ذوب آهن هر روز مهمان ایرانی ها، طلایی دلان و سبز دلان است

رسانه فوتبال استان اصفهان

شماره ۴۵۶

سه شنبه، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۹

 **footballisfahan**

صدای هر روز

صدای هر روز یاران سپاهانی

سبزینم

رسانه ای برای سبزدلان و هواداران باشگاه ذوب آهن

حسن اشجاری: هت تریک قهرمانی یادش بخیر

آن سپاهان فوق العاده بود

محسن بنگر: تغییر سرمربی ورق را به سود ما برگرداند

با اخراج یوناچیچ استارت هت تریک قهرمانی زده شد



به یاد رضا حسن زاده که خیلی زود ما را تنها گذاشت



رضا حسن زاده بازیکن تیم تراکتور ۱۴ سال پیش در اثر سانحه تصادف جان به جان آفرین تسلیم کرد.

رضا حسن زاده فوتبال خود را از تیم‌های پایه ماشین‌سازی آغاز کرده و بعد از بازی در تیم بزرگسالان ماشین‌سازی، در تیم‌های سپاهان اصفهان، ابومسلم مشهد و تراکتور سازی تبریز هم بازی نموده بود. با تیم سپاهان به قهرمانی لیگ برتر و جام حذفی دست یافته و سابقه یک بازی ملی هم در کارنامه خود داشت. حسن زاده بعد از دوران طلایی که در ابومسلم و سپاهان داشت، به تیم تراکتور پیوست تا کمکی برای بازگشت تیم تراکتور به لیگ برتر شود. از قضا بازی‌های خوب وی و سایر همبازی‌هایش سبب شده بود که تیم تراکتور در صدر جدول گروه خود قرار گیرد. اما اتفاقاتی در مسیر بازی‌های تراکتور پیش آمد که در گذشت بازیکن تاثیر گذار تراکتور را به همراه داشته و تیم تراکتور بعد از این اتفاق با افت روحی بازیکنان خود، از یک قدمی صعود به لیگ برتر بازماند. با گذشت رضا حسن زاده مدافع تراکتور، این باشگاه شماره ۲۵ خود که متعلق به این بازیکن بود را برای همیشه بایگانی کرد. ۱۳ اردیبهشت سال ۱۳۸۵ کاروان باشگاه تراکتور برای بازی مقابل ایران جوان بوشهر باید با دو پرواز تبریز به تهران و تهران به بوشهر راهی این شهر جنوبی کشور می‌شد. لغو پرواز تیم تراکتور به تهران سبب شد که صدر نشین لیگ دسته یک، روز بعد با پرواز مستقیم راهی عسلویه شود و قرار بود از آنجا با یک دستگاه اتوبوس کاروان تیم تراکتور به بوشهر سفر نماید. آماده نبودن اتوبوس سبب شد تعدادی از بازیکنان تیم تراکتور از سرپرست وقت تیم بخواهند با خودروهای سواری این مسیر ۴ ساعته را طی کنند و در نهایت کادر فنی و بازیکنان تیم تراکتور سواری ۷ خودرو از عسلویه راهی بوشهر شدند. سفر زمینی بازیکنان تیم تراکتور ادامه داشت که در همان ساعت نخست یکی از خودروها دچار سانحه شد. کامیونی بدون توجه به خودروها عبوری وارد جاده شود و یکی از سواری‌های کاروان تراکتور سازی به شدت با آن تصادف کرد.

رضا حسن زاده در جلو نشسته و ناصر فرش‌باف و سلمان تاجدار در صندلی عقب بودند. حسن زاده به شدت به شیشه خودرو برخورد کرده و در حالی که در ابتدا هوشیاری داشته و قادر به تلکم بود، بعد از دقایقی به کما رفت و وی را به بیمارستان فاطمه الزهرا بوشهر انتقال دادند. حسن زاده حدود ۱۰ روز در بیمارستان به علت ضربه مغزی در کما بوده و در حالی که روزهای آخر هوشیاری‌اش افزایش یافته و پاهایش را تکان می‌داد، ساعت ۶ صبح ۲۴ اردیبهشت حالش به وخامت گذاشته و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

حسن اشجاری: هت تریک قهرمانی یادش بخیر آن سپاهان فوق العاده بود



*** در آن تیم هم بازیکنان بزرگی حضور داشتند و هم نفرات جوانی که در آینده تبدیل به بازیکنان بزرگ شدند مثل سردار آزمون. سردار در تمرینات چطور بود و فکر می‌کردی یک روز به چنین بازیکنی تبدیل شود؟**

سردار بازیکن خوب و مستعدی بود ولی خب در آن مقطع سپاهان مهاجمان خوبی مثل عماد رضا، سید صالحی و برونو سزار را داشت و مشخص بود در این شرایط به او بازی نرسد. بعد از چند وقت هم پدرش آمد و دنبال رضایت نامه بود و می‌گفت از روسیه پیشنهاد دارد و می‌خواهد جدا شود. در کل بازیکن مستعدی بود و مشخص بود آینده خوبی دارد.

*** خودت هم به عنوان یک ذوب آهنی در فوتبال ایران شناخته می‌شدی. آمدنت به سپاهان جنجالی نشد؟**

زمانی که قلعه‌نویی مربی سپاهان بود تفاهم نامه‌ای با ذوب آهن امضا شده بود که از هم بازیکن نگیرند ولی این موضوع بعداً برطرف شد ضمن اینکه من از استیل آذین به سپاهان آمدم و مستقیم بین دو تیم جابجا نشدم. حساسیت در اصفهان وجود دارد ولی مثل استقلال و پرسپولیس نیست. این را هم بگویم من ۶ سال بازیکن ذوب آهن بودم و به عقیده همه کارشناسان بهترین دوران فوتبالم در این تیم بود ولی وقتی رفتم استیل آذین در بازی که برگشتم اصفهان هواداران ذوب آهن به من رکیک‌ترین فحش‌ها را دادند و واقعا دلخیز رانمی‌دانم.

*** در آن فصل که تو آمدی حاج صفی از سپاهان جدا شده بود و به نوعی جانشین او بودی. این موضوع کارت را سخت نمی‌کرد؟**

بله آن فصل حاج صفی برای سربازی به تراکتور رفته بود. البته اوایل فصل من بال چپ بودم و هاشم بیگ زاده دفاع چپ بازی می‌کرد ولی وقتی مصدوم شد من دفاع چپ شدم و نمی‌شود گفت به عنوان جانشین حاج صفی به تیم آمدم.

مدافع سابق سپاهان در مورد شرایط این تیم در فصل یازدهم و هت‌تریک قهرمانی صحبت کرد.

۲۲ اردیبهشت سالروز قهرمانی سپاهان در لیگ یازدهم باعث شد سراغ یکی از بازیکنان این تیم در آن مقطع برویم. حسن اشجاری، مدافع چپ سابق تیم‌های لیگ برتری که آن سال یکی از اعضای سپاهان بود خاطرات جالبی از آن دوره و تیم‌های دیگری که در آن سال‌ها در آن عضویت داشت دارد که در گفتگویی آنها را مطرح کرد:

*** دیروز سالگرد قهرمانی سپاهان در لیگ یازدهم است که تو هم یکی از بازیکنان آن تیم بودی.**

من نمی‌دانستم سالگرد آن قهرمانی است و ممنونم که به من یادآوری کردید. آن فصل تیم خیلی خوبی داشتیم. نیم فصل ۹ امتیاز از استقلال عقب بودیم ولی در نهایت موفق شدیم. و من هم اولین سال حضورم در سپاهان را تجربه می‌کردم. یک تیم فوق‌العاده بودیم که برای قهرمانی همه چیز داشتیم و خوشبختانه به آن رسیدیم و در بازی آخر مقابل مس سرچشمه یک تساوی هم برای ما کافی بود تا جام را بالای سر ببریم و یک سال فراموش نشدنی بود.

*** سپاهان در آن فصل سومین قهرمانی پیاپی خودش را جشن گرفت و این رکورد تا فصل قبل که پرسپولیس به آن رسید دست نخورده مانده بود.**

بله آن دوره تیم سپاهان خیلی خوب بود. البته من در قهرمانی‌های قبلی حضور نداشتم ولی خب تیم خوبی بود و شاکله اصلی آن حفظ شده بود و فقط چند بازیکن مثل مهدی رحمتی و خسرو حیدری از تیم جدا شده بودند و مابقی بازیکنان حفظ شدند. رسیدن به سه قهرمانی پیاپی کار سخت و ارزشمندی است که سپاهان به آن رسید.

*** آن تیم شانس قهرمانی آسیا را هم داشت که به خاطر یک اشتباه از دست داد.**

بله در آن فصل تیم خوبی بودیم و لیگ قهرمانان آسیا هم شرایط خوبی داشت و می‌شد در آن فصل به قهرمانی رسید. تیم السدی که رفت و برگشت شکستش داده بودیم به فینال رفت و تیم کره‌ای به سختی و در وقت اضافه توانست آنها را شکست دهد و این نشان می‌دهد ما پتانسیل قهرمانی داشتیم ولی یک اشتباه در بازی دادن به رحمان احمدی که محروم بود باعث شد حذف شویم.

*** در آن فصل تغییر سرمربی داشتید و کرانچار به جای بوناچیچ آمد. در مورد حواشی آن دوران صحبت کن.**

به نظر من بهترین تصمیم را مدیریت در آن مقطع گرفت. بوناچیچ مربی بد اخلاقی بود و به بازیکنان فحاشی می‌کرد او با بازیکنان به مشکل خورد خصوصاً بازیکنان بزرگ آن زمان که در نهایت قدرت بازیکنان بیشتر بود و مدیریت بوناچیچ را اخراج کرد و کرانچار را آورد که بهترین تصمیم بود. کرانچار مربی با دانش و انسان محترمی بود و از بهترین خارجی‌هایی است که به ایران آمده است.

حمید مطهری از سپاهان به پرسپولیس



مربی حال حاضر پرسپولیس در دهه هفتاد یکی از ستاره‌های جوان فوتبال ایران به حساب می‌آمد.

حمید مطهری که اکنون به عنوان مربی و دستیار یحیی گل محمدی در پرسپولیس فعالیت می‌کند از زمانی که در تیم ملی جوانان ایران در کنار استعدادها در خشان دیگری چون کریم باقری، مهدی پاشازاده بازی می‌کرد به عنوان یک هافبک آینده دار در فوتبال ایران مطرح شد. سبک بازی مطهری و باقری و شباهت‌هایی که به هم داشت باعث می‌شد که در خیلی از مواقع باقری به دفاع میانی منتقل شود تا مطهری که استیل و هوش بالایی داشت در میانه میدان بازی کند.

او هافبکی خوش فکر و شوتزنی بود و شاید اگر مصدوم نمی‌شد می‌توانست در رده ملی نیز تبدیل به بازیکنی موثر در دوران خودش بشود. حمید مطهری در تیم وحدت که هدایتش مجید جلالی به عهده داشت رشد کرد و از همانجا به تیم‌های رده پایه ملی رسید. در سال ۱۳۷۲ او به تیم سپاهان پیوست که تیمی جوان شده بود رفت. در این سال او در یک بازی خاطره انگیز و در حالی که بیست سال داشت مقابل پرسپولیس قرار گرفت: "آن سال پرسپولیس و سایپا در کورس قهرمانی بودند و این بازی سرنوشت قهرمانی را به نوعی تعیین کرد."

مطهری در باره این بازی گفت: "بازی خیلی خوبی بود و حدود بیست، سی هزار نفر تماشاگر به ورزشگاه آمده بود. بازی صفر، صفر بود که دقیقه هشتاد و خرده ای پنالتی شد. کسی جرأت نمی‌کرد پنالتی را بزند. من از همه کوچکتر بودم اما توپ را برداشتم و زدم و گل شد. این بازی باعث شد پرسپولیس قهرمانی را از دست بدهد."

در ترکیب سپاهان در آن بازی جالب برابر پرسپولیس علاوه بر حمید مطهری بازیکنانی چون داوود مهابادی، پرویز برومند و حمید معماریان حضور داشتند. مطهری در باره ترکیب پرسپولیس هم در این بازی گفت: "پرسپولیس یک تیم فوق‌العاده بود. پنجعلی، پیوس، شاهرودی، درخشان... همه این‌ها بازی می‌کردند." هدایت سپاهان را در آن سال فیروز کریمی به عهده داشت. سال بعد هم ناصر حجازی سرمربی سپاهان شد. مطهری هم بعد از سپاهان به کشاورز و از آنجا عاقبت به پرسپولیس آمد. هر چند مصدومیت سنگین اجازه نداد او در دوران بلوغ فوتبالش بتواند در سطح اول باشگاهی و تیم ملی بزرگسالان بدرخشد اما تا قبل از مصدومیت او همیشه یکی از مهره‌های ثابت تیم‌های ملی رده‌های جوانان و امید ایران بود او در سال ۷۰ عضو تیم ملی جوانان بود که هدایت آن را محمود یآوری به عهده داشت: "تیم ملی خوبی داشتیم همه بعدها جزو بهترین‌ها شدند. اولین تیمی بود که بعد از انقلاب راه پیدا کرد به دور نهایی البته دقیق یادم نیست. مربی تیم آقای یآوری بودند که بسیار مربی خوبی بودند و من نظم و انضباط را از ایشان یاد گرفتم. بازیکنان زیادی در تیم بودند، کریم باقری، سهند ازین، پرویز برومند، فردمלקیان، مهدی پاشازاده و چند بازیکن دیگر از همان تیم آمدند و بعدها در تیم ملی و رده‌های باشگاهی مطرح شدند."

محسن بنگر: تغییر سرمربی ورق را به سود ما بر گرداند با اخراج بوناچیچ استارت هت تریک قهرمانی زده شد

سرمربی ذوب آهن نمیتواند به ایران بیاید

مدیر تیم فوتبال ذوب آهن اصفهان گفت: رادلوویچ می خواهد بیاید اما فعلا شرایطی برای سفر به کشورمان وجود ندارد و دستیار او و مهاجم صربستانی ماهم همین وضعیت را دارند.

محسن کرباسچی در گفت و گویی در خصوص شایعه عدم بازگشت میودراگ رادلوویچ، سرمربی تیم فوتبال ذوب آهن به ایران، اظهار داشت: اصلا چنین چیزی صحت ندارد. من هر روز با او در تماس هستم. رادلوویچ در حال حاضر منتظر است تا شرایط در کشورش عادی شود و به ایران باز گردد.

وی افزود: من حتی ویزای او را هم گرفته ام و برایش فرستادم. مشکل اینجاست که الان از بلغراد یا مونتنگرو هیچ پروازی به سمت ایران نیست. فرودگاه های این دو کشور حداقل هشت یا نه روز دیگر تعطیل است و به محض اینکه پروازی به سمت ایران باشد، رادلوویچ هم بازمی گردد.

مدیر تیم فوتبال ذوب آهن اصفهان گفت: مگر اسکوچیچ برگشته که رادلوویچ برگردد؟ این یک مسئله طبیعی است و مشکلی بابت بازگشت سرمربی تیم به ایران نیست. کمک مربی و حتی مهاجم صربستانی ماهم همین مشکل را دارند و فعلا نمی توانند برگردند تا پروازها دوباره از سر گرفته شود. نکته اینجاست که رادلوویچ می خواهد بیاید، اما چون پرواز نیست، فعلا نمی تواند به کشورمان سفر کند. ما حتی برای آنها بلیت هم تهیه کردیم و فقط باید تاریخ آن را عوض کنیم.

کرباسچی درباره اینکه آیا برنامه بازی های آینده لیگ برتر به دست باشگاه ذوب آهن رسیده یا خیر و اینکه نظر این تیم درباره ادامه یا لغو لیگ چیست، تصریح کرد: این موضوع بستگی به نظر ما ندارد بلکه همه چیز تحت تاثیر تصمیم ستاد مبارزه با کرونا است. ما تابع تصمیم آنها هستیم. این ستاد باید به جمع بندی نهایی برسد و بعد هم مسئولان تصمیم بگیرند که آیا می شود بازی ها را ادامه داد یا خیر.

فوتبال اصفهان

روزنامه فوتبال دیار نصف جهان - کاری از گروه "فوتبال به وقت اصفهان"

مدیریت: محمد کیهانی

رئیس شورای سیاست گذاری: احسان یار محمدی

مشاور فرهنگی: محمد مصطفایی

موسس و سردبیر: مرتضی رضایی راد / دبیر تحریریه: بهاره حیاتی

دبیر سرویس فنی: آزاده رضی / روابط عمومی: محسن کدخدایی -

امید قاسمیان / سرویس عکس: امیرحسین رضی - شهرام شریفی



البته محرم هم بود اما او چند وقت مصدوم بود و کم و بیش بازی می کرد. در بازی آخر و قبل از اخراج بوناچیچ ایشان من، رحمان احمدی، محرم و چند نفر دیگر از بچه ها را در لیست ۱۸ نفره قرار نداد. ما قبل از این بازی در کرمان برابر السد بازی کردیم و بازی را هم بردیم که در آن ماجرای رحمان احمدی اتفاق افتاده بود. ما آنجا انتقاد کردیم و بحث داشتیم بابت اینکه وقتی تیم با دو گل جلو است چرا فشار را کم کردند و تیم را به عقب کشیدند تا حذف شویم. این موضوع با ناراحتی او شد و مقابل سایپا و کرمان هم ما را با تیم نبرد. آنجا مدیریت وقت تیم آقای رحیمی تصمیم به برکناری ایشان گرفت. آقای رحیمی گفتند اگر می خواهی با سرمایه باشگاه به این شکل رفتار کنی بهتر است تیم را ترک کنی.

*خاطرات هست در روز برکناری بوناچیچ چه اتفاقی افتاد؟

آقای بوناچیچ در زمین تمرین حاضر بودند و همان جا به ما (من و محرم) گفتند شماها نباید در تمرین حاضر شوید. ما رفتیم روی سکو که در همین حین آقای رحیمی آمدند و موضوع را جویا شدند. وقتی متوجه آن شدند وارد زمین شدند و از آقای بوناچیچ خواستند محل تمرین را ترک کنند. به او گفت شما بفرمایید باشگاه تا



دیروز سالروز هت تریک قهرمانی سپاهان در لیگ برتر است. روزی که طلایی پوشان اصفهانی برای سومین فصل پیاپی و در شرایط عجیب و خاص در نهایت در پایان لیگ یازدهم عنوان قهرمانی را به خود اختصاص دادند. در این رابطه محسن بنگر به عنوان بازیکن وقت سپاهان از خاطرات عجیبی در گفتگو با ورزش سه رونمایی کرد. از ماجرای مربوط به کنار گذاشتن لوکا بوناچیچ و حضور کرانچار تا تمرین زیر نظر مدیرعامل وقت، و درخواست عجیب از کاپیتان استقلال وقت مس رفسنجان در بازی پایانی. در ادامه این خاطره نگاری با بنگر را بخوانید.

*دیروز سالروز قهرمانی شما با سپاهان بود. روزی که سومین قهرمانی پیاپی را با این تیم جشن گرفتید!

والله! چه روز فوق العاده ای بود. اصلا یادم نبود. خیلی روز عجیب و فوق العاده ای بود. فصل باور نکردنی و پرماجرایی را پشت سر گذاشتیم تا در نهایت موفق شدیم جشن قهرمانی را برگزار کنیم. شاید در میانه فصل اصلا باورمان نمی شد بتوانیم قهرمان شویم اما ورق به سود ما برگشت و مدیران سپاهان با یک تصمیم فوق العاده همه چیز را تغییر دادند تا مشخص شود نقش یک مدیر فوتبالی برای موفقیت تیم چقدر زیاد است.

*می خواهیم از خاطرات آن روزها برای ما بگویید.

فصل بدی برای ما بود. کادرفنی عوض شده بود و ۱۲-۱۰ بازیکن از جمع ما که بیشترشان ملی پوش بودند از جمع ما جدا شده بودند و با این وضعیت فصل را شروع کردیم. لوکا بوناچیچ به تیم برگشته بود و فکر کنم تا هفته هفتم یا هشتم ما در رده پایین جدول قرار داشتیم. اما بعد با تغییر سرمربی و چند بازیکنی که در نیم فصل گرفتیم تیم جان گرفت. برونو سزار و چند بازیکن خوب دیگر به تیم ما اضافه شدند. بعد نمی دانم چه شد که لیگ یک مقطعی تعطیل شد و ما توانستیم یک بدنسازی خوب هم داشته باشیم و در ادامه چند بازی را پشت هم بردیم و همه چیز به سود ما تغییر کرد. چند بازی را یک هیچ بردیم و کلین شیت داشتیم و توانستیم با تیم یکدستی که شکل گرفته بود در نهایت به قهرمانی برسیم.

*ماجراهای بوناچیچ هم در تیم شما عجیب بود و اخراجش هم عجیب تر. درباره این موضوع توضیح می دهید؟

خب بوناچیچ وقتی در تیم حضور داشت ما چند هفته بد را داشتیم و فکر کنم یک مقطعی تا رده هشتم جدول هم سقوط کردیم و بازی با مس در کرمان بود که با نتیجه سنگینی شکست خوردیم و بازی بعدی در اهواز مربی را عوض کردند. سپاهان همه چیزش کار گروهی بود. آقای ساکت هم وقتی می خواستند کاری کنند با بزرگترهای تیم صحبت می کردند. من هم کاپیتان دوم تیم بودم،

صحبت کنیم و خودم تیم را تمرین می دهم! اتفاقا همان روز تمرین را برعهده گرفت بعد از آن بوناچیچ رفت و کرانچار آمد.

*شرایط مدیریتی عجیب و خاصی به نظر می رسید با چیزی که تعریف می کنی.

اتفاقا خیلی خوب بود. اینکه مدیر فوتبالی باشد و بازیکنان را به عنوان سرمایه بشناسد خوب است. البته خوب مشخص هم بود که مشکل ما بازیکنان نبودیم چرا که بعد از آن قهرمان شدیم.

*برگردیم به همان بحث قهرمانی. شما رقیب استقلال بودید و البته آنها اختلاف امتیاز زیادی داشتند. چطور به آنها رسیدید.

خب ما آن زمان در مقطعی از استقلال فکر کنم ۱۲-۱۰ امتیاز هم عقب افتادیم. آقای کرانچار که آمدند بردهای پشت سر هم به دست آوردیم تا رسیدیم به بازی قبل از دربی برای استقلال. آنجا ما یک امتیاز از استقلال عقب بودیم. خاطریم هست که ما با اتوبوس به سمت شمال می رفتیم و از طریق رادیو بازی را گوش می دادیم که دقیقه ۹۰ و خردهای ایمنون زاید گل سوم را زد. استقلال باخت و ما بازی خودمان را بردیم و آنجا از استقلال جلو افتادیم تا در نهایت در هفته آخر قهرمان شدیم. ما با اتوبوس به سمت رشت می رفتیم و در اتوبوس تمام تیم ما طرفدار پرسپولیس بودند و خب این طبیعی بود که بخواهند استقلال ببازد. ما هم بازی خودمان را در رشت با گل دقیقه آخر عماد بردیم و شرایط به سود ما شد.

*روز آخر و مقابل مس سرچشمه هم البته خیلی روز پر استرسی برای شما به نظر می رسید.

هفته پایانی ما یک مساوی می خواستیم تا قهرمان شویم و مس سرچشمه هم سقوط کرده بود. آقای علی سامره هم کاپیتان مس سرچشمه بود. ما از اول بازی کلا با سامره حرف می زدیم که علی آقا مراقب ما باش و کلی خندیدیم. خب باور کنید استرس بازی آخر خیلی زیاد است و شاید اگر شرایط عادی بود ما با اختلاف زیاد می توانستیم مس سرچشمه را شکست دهیم. تیم ما خوب بود و می توانستیم راحت ببریم اما استرس باعث شد تا نتوانیم نمایش همیشگی را به اجرا بگذاریم. باور کنید ۹۰ دقیقه نه ما جلو می رفتیم و نه آنها می توانستند و کلا در حال پاسکاری بودیم. البته علی آقا استقلال بود و دوست داشت ما ببازیم و بتواند برای استقلال کاری کند اما خب باید قبول کرد که زور تیم ما بیشتر بود و فقط استرس مانع از این می شد به گل برسیم.

ما فقط یک مساوی می خواستیم و اگر فیلم بازی را ببینید ما در ۵ دقیقه آخر از استرس بالا اصلا وارد زمین حریف نشدیم و این ۵ دقیقه پایانی را در زمین خودمان پاسکاری کردیم تا سوت پایان توسط داور زده شود. خب اکنون هشت سال گذشت و محسن بنگر به عنوان یکی از کاپیتان های آن تیم بعنوان مربی کارش را شروع کرده و البته بدشانس بودی که فوتبال به این شکل به صورت جهانی تعطیل شد.